

تحلیل گری مالی در تبیین نقش حسابداری مدیریت

روح اله وفايي پور*^۱

عبدالرضا محسنی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۳۹۹/۰۳/۱۷

چکیده

هدف از گزارشگری مالی، ارائه اطلاعات به سرمایه‌گذاران در مورد جریان‌های نقدی آینده و تبیین نقش‌های حسابداری مدیریت شرکت است. این پژوهش با هدف بررسی نقش تحلیل‌گری مالی در تبیین نقش حسابداری مدیریت انجام گرفت. در این تحقیق رابطه بین حسابداری مالی بر ابعاد حسابداری مدیریت (ارزش فعلی خالص، هزینه فرصت، ارزش افزوده اقتصادی و مدیریت هزینه) مورد بررسی قرار گرفت. جامعه تحقیق حاضر را شاغلین حوزه مالی، در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهد. به لحاظ هدف از نوع مطالعات کاربردی و از لحاظ روش از نوع مطالعات توصیفی - پیمایشی می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده که بین ۸۰ نفر از افراد جامعه آماری توزیع گردید و جهت تأیید روایی از تحلیل محتوا و جهت تأیید پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون رگرسیون به کمک نرم‌افزار SPSS22 انجام شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بین حسابداری مالی با ابعاد حسابداری مدیریت (متغیرهای ارزش فعلی خالص، هزینه فرصت، ارزش افزوده اقتصادی و مدیریت هزینه) رابطه معنی‌دار وجود دارد که رابطه حسابداری مالی و ارزش فعلی خالص دارای بیشترین سطح معناداری و رابطه حسابداری مالی و ارزش افزوده اقتصادی دارای کمترین سطح معناداری می‌باشد.

واژگان کلیدی

حسابداری مالی، ارزش فعلی خالص، هزینه فرصت، ارزش افزوده اقتصادی، مدیریت هزینه

^۱ دکتری حسابداری، گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول) (r.vafaei231@gmail.com)

^۲ استادیار و عضو هیات علمی گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران. (Mohseni.abdoreza@yahoo.com)

۱. مقدمه

حسابداری یک سیستم اطلاعاتی است که اطلاعاتی مالی را در مورد یک موجودیت اقتصادی قابل شناسایی محاسبه، پردازش و ارسال می‌کند. یک سیستم اطلاعات حسابداری یک گروه سازمان‌یافته از اطلاعات پیچیده را ارائه می‌دهد که برای سازمان، مدیریت و تصمیم‌گیری کسب و کار لازم است. اهمیت چنین سیستمی ناشی از این واقعیت است که در هر زمانی دانش و اطلاعات مربوط به شرایط و عملکرد شرکت را فراهم می‌کند و اطلاعاتی را در مورد نحوه استفاده از منابع و وجود نقاط ضعف و لزوم بررسی آنها را ارائه می‌دهد. کسب اطلاعات اقتصادی با روش‌های خاص، فرآیندها و ابزارهای پردازش داده‌های اقتصادی به دست می‌آید. این واقعی‌ترین، دقیق‌ترین و کامل‌ترین اطلاعاتی است که نشان‌دهنده حمایت از فرآیند مدیریت است. بزرگ‌ترین سهم تصمیمات مدیریتی بر اساس اطلاعات حسابداری است (مالاسکو و پاپویسی^۱، ۲۰۱۵). حسابداری به عنوان یک تابع فرعی از عملکرد مدیریت، در اطلاع‌رسانی به مدیریت در یک سیستم کسب و کار متمرکز است. با توجه به هدف و ماهیت اطلاعات، حسابداری را می‌توان به حسابداری مالی و حسابداری مدیریت تقسیم کرد. حسابداری مالی برای ارائه اطلاعات در مورد میزان کسب نتایج کسب و کار و کاربران خارجی اولیه در نظر گرفته شده است. محصول نهایی حسابداری مالی گزارش‌های مالی است که باید مطابق با اصول حسابداری قابل قبول تهیه شود. هدف حسابداری مدیریت ارائه و تجزیه و تحلیل اطلاعاتی است که برای مدیریت شرکت لازم است. اطلاعات حسابداری به منظور برنامه‌ریزی، کنترل و تصمیم‌گیری در فعالیتهای کسب و کار ایجاد شده است (زوباک^۲، ۲۰۱۲). تحقیقات پیشین نشان می‌دهند که حسابداری مالی و حسابداری مدیریت مستقل از یکدیگر نیستند و ویژگیهای گزارشگری مالی، کیفیت حسابداری مدیریت را تحت تأثیر قرار می‌دهد (رهنمای رودپشتی و همایونی راد، ۱۳۹۵). حسابداری مالی نقش موثری در ایفای نقش‌های مدیریتی از جمله کنترل، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی ایفا می‌کند بنابراین در این پژوهش به بررسی نقش تحلیل‌گری مالی در تبیین نقش حسابداری مدیریت می‌پردازیم. بدین منظور ابتدا در مبانی نظری پژوهش بیان شده و سپس پیشینه و سوابق پژوهش گزارش گردیده است. در نهایت داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS22 وارد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۱-۱. حسابداری مدیریت

حسابداری مدیریت به عنوان یکی از شاخص‌های فرایند تهیه اطلاعات برای تصمیم‌گیری، نقشی اساسی در افزایش کارایی منابع اقتصادی و تخصیص بهینه و عادلانه ثروت دارد. استفاده صحیح از رویه‌های مناسب حسابداری مدیریت، حتی در شرایط به روز رکودهای اقتصادی می‌تواند سازمان‌ها را در سطح قابل قبولی نگه دارد (حساس یگانه، ۱۳۹۰). حسابداری مدیریت در اصطلاح ساده و مرسوم خود، شاخه‌ای از حسابداری است که درصدد تأمین نیازهای مدیران است. اولین تعریف مدون حسابداری مدیریت از سوی کمیته رویه‌های حسابداری مدیریت انجمن حسابداران مالی آمریکا در سال ۱۹۸۱ صورت گرفت که حسابداری مدیریت را به شرح زیر تعریف کرده است: حسابداری مدیریت فرایند شناسایی، اندازه‌گیری، انباشت، تجزیه و تحلیل، تهیه، تفسیر و گزارش اطلاعات مالی مورد استفاده مدیران جهت برنامه‌ریزی، ارزیابی و کنترل در یک سازمان و اطمینان دادن از استفاده صحیح منابع و پاسخگویی بابت آنها است (ابراهیمی، ۱۳۹۱). حسابداری مدیریت به ارائه اطلاعات

^۱. Malaescu & Popovici

^۲. zubac

مالی و غیرمالی برای تصمیم‌گیری مدیران می‌پردازد. در مقابل حسابداری مالی، حسابداری مدیریت گزارشی را تهیه می‌کند که تجزیه و تحلیل هزینه‌ها و پیش‌بینی‌های مالی برای گیرندگان داخلی را شامل می‌شود (نیتزی^۱، ۲۰۱۸). اطلاعات حسابداری مدیریت برای حمایت از گزارشگری مالی مورد نیاز است و به این ترتیب گزارشگری مالی بیشتر در جهت آینده و سرمایه‌گذاران متمرکز می‌شود. حسابداری مدیریت شامل طراحی و استفاده از حسابداری درون سازمان می‌باشد. حسابداری مدیریت نمی‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از قوانین ثابت در نظر گرفته شود. بلکه روش‌های حسابداری مدیریتی برای دستیابی به اهداف سازمانی از طریق بهبود تصمیم‌گیری توسط مدیران و کارکنان آن است. حسابداری مدیریت هر دو اطلاعات واقعی و برآورد شده را به کار می‌گیرد و به عملکرد روزانه و برنامه‌ریزی برای عملکرد آینده کمک می‌کند و با مسائل خاص مدیران در سطوح مختلف کسب و کار مواجه می‌شود (قنبری و واسلی، ۲۰۱۵).

۲-۱. نقش حسابداری مدیریت در بنگاه‌های اقتصادی

در طی چند سال گذشته با توجه به تغییرات در محیط کسب و کار، به طور فزاینده‌ای شاهد بهبود اطلاعات سیستم‌های مدیریتی بوده ایم. تغییرات در محیط کسب و کار منجر به مدیریت فعالیت‌های مختلف سازمانی مانند تولید، بررسی مواد، بازیافت، بازاریابی و کنترل کیفیت شده است. در محیط کسب و کار، تکنولوژی پیشرفته تولید منجر به افزایش محدوده محصول، کاهش هزینه‌های مستقیم کار و افزایش هزینه‌های سربار شده است. علاوه بر این شرکتها با رقابت شدید در سطح ملی و بین‌المللی مواجه هستند. در چنین محیط کاری مدیران نیاز به اطلاعات حسابداری مدیریت مربوط به ارزش افزوده هستند. در نتیجه سیستم حسابداری مدیریت مورد توجه بسیار قرار گرفته است زیرا این سیستم اطلاعاتی را فراهم می‌کند که مدیران بتوانند فعالیتهای تجاری خود را به طور مداوم در محیط شرکت تنظیم کنند (هالبونی و کمال حسن^۲، ۲۰۱۲). نقش حسابداری مدیریت در بنگاه‌های اقتصادی کشور با توجه به وضعیت اقتصادی در دو دهه گذشته کاملاً جلوه کرده است. با حرکت به سوی خصوصی‌سازی، تغییرات در الگوهای رقابت، تولید، ساختار شرکت‌ها، توسعه فناوری و نیز مطرح شدن تجارت جهانی، اهمیت حسابداری مدیریت در بنگاه‌های اقتصادی بخوبی مشهود است. تحقیقات تجربی اخیر در کشورهای غربی نشان می‌دهد که حسابداری مدیریت برای نگه داشتن ارتباط خود با سطح جهانی شدن روز افزون امروزی، باید با تغییر در نیازهای مدیران هماهنگ شود. بسیاری از شرکتها به منظور ادامه بقا در بازارهای رقابتی، ناگزیرند با استفاده از روشهای نوین در جهت بهبود مستمر کیفیت و کنترل و کاهش بهای تمام شده محصولات خود بکوشند. ابزارهای حسابداری مدیریت از این تغییرات بی‌تأثیر نبوده و روند رو به رشدی داشته‌اند (علی‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۰۴). حسابداری مدیریت، از طریق به کارگیری روش‌های عملیاتی در فرآیند پردازش داده‌ها مالی مدیریت را در برنامه‌ریزی مناسب برای دستیابی به اهداف سازمان یاری می‌دهد و شرایط تصمیم‌گیری عاقلانه و منطقی را برای کسب اهداف فراهم می‌آورد (لیبی^۳، ۲۰۱۷).

¹. Nitzi

². Halbouni & Saadi Hasan

³. libby

۱-۳. نقش حسابداری مالی در حسابداری مدیریت

اندیشمندان حوزه مطالعات مالی که همواره در صدد شناخت و تبیین رفتارها و علل وقایع بازارهای مالی بودند، تلاش نمودند با کمک گرفتن از علوم رفتاری در صدد تشریح رفتار تصمیم‌گیرندگان در بازارهای مالی برآیند. پارادایم غالب در تئوری‌های مالی مبتنی بر حداکثرسازی مطلوبی انتظاری و ریسک‌گریزی است. در حالیکه مطالعات تجربی از دنیای واقعی هجده‌های فراوانی را در سال‌های اخیر به تئوری‌های مدرن مالی و فرض انسان عقلایی وارد کرده است. مطالعات روان‌شناسان نشان می‌دهد که انسانها در عمل رفتاری متفاوت از آنچه که تئوری‌های مدرن مالی از انسان عقلایی ترسیم می‌کنند از خود بروز می‌دهند (فرناندز^۱، ۲۰۰۹). در دنیای پرتلاطم امروزی که شتاب تغییرات به صورت تصاعدی است، تصمیم‌گیری واقعاً مشکل است، زیرا در چنین شرایطی روابط بین پدیده‌ها بیشتر خطی است و مدیران برای فائق آمدن بر اثرات متغیرهای خطی و غیرخطی باید مجهز به اطلاعاتی دقیق، مربوط و به موقع باشند. اطلاعات اقتصادی بویژه اطلاعات حسابداری مالی از جمله اطلاعاتی هستند که مدیران همواره در تصمیمات کوتاه مدت و استراتژیک از آن استفاده می‌کنند و در بین متغیرهای گوناگون موثر در تصمیم‌گیری و به طور کلی در انواع تصمیمات ممکن است بیشترین کاربرد را داشته باشد؛ بنابراین باید برای مدیران مهم باشد که این اطلاعات چگونه و بوسیله چه کسانی و با چه کیفیتی تهیه می‌شود (صالحی و همکاران، ۱۳۹۴، ۶۲). حال و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیقی سه استدلال بیان می‌کنند که چرا و چگونه مدیران از اطلاعات حسابداری مالی در کار خود استفاده می‌کنند. اول اینکه مدیران از اطلاعات حسابداری به جای اینکه به عنوان ورودی برای سناریوهای تصمیم‌گیری خاص استفاده کنند، برای توسعه دانش خود در محیط کار استفاده می‌کنند. در چنین نقشی که به آن نقش تسهیل‌کنندگی تصمیمات می‌گویند، اطلاعات حسابداری می‌تواند به مدیران کمک نماید تا دانش خود را درباره فعالیت‌ها و تصمیمات آتی افزایش دهند. دوم اینکه این اطلاعات برای مدیرانی که می‌خواهند نقاط قوت و ضعف کار خود را بدانند ضروری است. سوم، از آنجایی که مدیران اغلب در ارتباطات و مباحثات از مدل‌های کمی بصورت مذاکره استفاده می‌کنند، اطلاعات حسابداری بواسطه داشتن ویژگی گزارشات نوشتاری در موضوعات عملیاتی خاص و کار مدیریت مورد استفاده قرار می‌گیرد. از نظر نیتزی (۲۰۱۸) یک رابطه قوی بین حسابداری مالی و حسابداری مدیریت وجود دارد؛ زیرا هدایت داخلی شرکت به طور مستقیم با حسابداری مالی خارجی مانند مدیریت مبتنی بر ارزش (VBM^۲) ارتباط دارد. هدف VBM برای فرآیندهای هدایت داخلی شرکت، به حداکثر رساندن ارزش سهامداران است.

۱-۴. شاخص‌های حسابداری مدیریت

- روش ارزش فعلی خالص (NPV^۳)

ارزش فعلی خالص یک پروژه سرمایه‌گذاری عبارت است از تفاوت بین ارزش فعلی جریانهای نقدی خروجی و ارزش فعلی جریانهای نقدی ورودی مورد انتظار در آینده. برای محاسبه ارزش فعلی و تنزیل جریانهای نقدی ورودی و خروجی سرمایه‌گذاری می‌توان از نرخ بازده سرمایه‌گذاری (هزینه سرمایه) استفاده کرد: اختصارات عبارت‌اند از: CIF جریان نقدی ورودی

^۱ Fernandes

^۲ Value-based management

^۳ Net Present Value

برای دوره t ، نرخ تنزیل، نرخ بازده مورد توقع، هزینه سرمایه، ICO جریان نقدی خروجی ابتدایی، عمر مورد انتظار پروژه (لیمان و ونهوک^۱، ۲۰۱۷).

- هزینه فرصت

هزینه فرصت برابر با نرخ بهره بدون ریسک است. فرض شود شرکتی پروژه‌ای را که NPV آن مثبت است انتخاب و پروژه‌ای را که NPV آن منفی است رد نماید. چون هدف مدیران افزایش ثروت سهامداران است، توجه به هزینه فرصت، به مدیران این امکان را می‌دهد که در جهت هدف انتخاب شده حرکت کنند (فیشر^۲، ۲۰۱۶).

- ارزش افزوده اقتصادی

ارزش افزوده اقتصادی معیاری است که نتایج را اندازه‌گیری می‌کند. مهمترین هدف هر واحد اقتصادی افزایش ثروت صاحبان سهام و بقای آن واحد است. به تبع آن صاحبان سهام جهت سنجش عملکرد مدیران در راستای هدف یاد شده واحدهای اقتصادی ناگزیر به استفاده از ابزارهایی جهت سنجش عملکرد مدیران می‌باشند (بیگ خاهیان و همکاران^۳، ۲۰۱۵).

- مدیریت هزینه

سیستم مدیریت هزینه شامل مجموعه‌ای از روش‌هایی است که جهت برنامه‌ریزی و کنترل فعالیت‌های هزینه‌زای یک سازمان برای رسیدن به اهداف آن سازمان تدوین شده است. این نوع سیستم نوعی برنامه‌ریزی و کنترل است که به بررسی بهینه‌سازی عملیات می‌پردازد (میرغفوری و همکاران، ۱۳۹۲).

۲. پیشینه پژوهش

تانگ و سالادریگوس^۴ (۲۰۱۸) در پژوهشی به پیش بینی عوامل مالی، حسابداری و صنعتی بر موفقیت شرکت‌های تازه وارد اسپانیا پرداختند. جهت بررسی تاثیر و پیش بینی موفقیت های آینده شرکت‌ها در دوره های زمانی مختلف در بخش های تولید و توزیع از آزمون رگرسیون لجستیک استفاده شد. بر اساس یافته‌های پژوهش بین دو بخش تولید و توزیع تفاوت در قابلیت پیش بینی مشاهده شد. در بخش توزیع نقدینگی، اعتبار بانکی، اعتبار تجاری و تمرکز به موفقیت ارتباط مثبت با موفقیت دارد. همچنین نتایج نشان داد که اندازه شرکت و سودآوری در هر دو بخش تولید و توزیع بیشترین رابطه مثبت را با قابلیت پیش‌بینی موفقیت شرکت دارند. پژوهشی توسط زمان^۵ (۲۰۱۷) تحت عنوان نقش ارزیابی مالی و غیر مالی بر فرآیند کنترل مدیریت بر شرکت‌های وابسته خارجی بین شرکت‌های اسلون^۶ انجام شد. روش پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی بود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با تأکید بر نقش ارزیابی های مالی و غیر مالی در این شرکتها، حوزه کنترل مدیریت بر شرکت‌های وابسته خارجی تکامل یافته است. آبراهامسون و همکاران^۷ (۲۰۱۱) نیز به هويت بررسی چگونگی ارتباط شوبه های حسابداری مالی بر هويت سازمان پرداختند. روش این مطالعه میدانی کیفی یک ساله در یک شرکت تولیدی بزرگ است که به عنوان پایه ای برای

¹ Leyman & Vanhoucke

² Fischer

³ Beikkhakhian et all

⁴ Tong & Saladrignes

⁵ Zaman

⁶ Slovene

⁷ Abrahamsson et all

تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفته است. این مطالعه تجربی نشان می‌دهد که چگونه اختلاف میان درک اعضای سازمان از هویت و تفسیر آنان از تصویر خارجی (آینده مورد نظر) تحت تأثیر شیوه‌های حسابداری در حال پیدایش قرار گرفته است. شواهد تجربی نشان می‌دهد یک رابطه متقابل بین حسابداری و هویت وجود دارد تا آنجا که شیوه‌های حسابداری ابزارهای مهم مشروعیت بخشی به خودباوری سازمان شناخته شده‌اند. نوریس و همکاران^۱ (۲۰۱۰) در تحقیق در قالب یک نظرسنجی میان ۵۸۰ نفر از مدیران ارشد آلمانی به بررسی مشارکت واحد حسابداری مدیریت در بهبود عملکرد شرکت پرداخته‌اند. نتایج حاصل از مدل سازی معادلات ساختاری نشانگر ارتباط مثبت میان عملکرد واحد حسابداری مدیریت و عملکرد شرکت می‌باشد. بر اساس نتایج این تحقیق عملکرد واحد حسابداری مدیریت به ترتیب با کیفیت تصمیم‌گیری مدیران و سازگاری شرکت، مشتری، اثربخشی بازار و عملکرد مالی قویترین ارتباط را دارد. نوریچی^۲ (۲۰۰۸) تحقیقی با هدف بررسی ارتباط مشارکت بودجه بندی و عملکرد در سازمان‌های بخش عمومی مالزی انجام دادند. نتایج حاصل از مدل سازی معادلات ساختاری حاکی از آن است که مشارکت در بودجه بندی عملکرد مدیریت را از طریق متغیر غیر مستقیم تعهد سازمانی تحت تأثیر قرار می‌دهد و ارتباط مستقیم بین مشارکت در بودجه‌بندی، عملکرد مدیریت، تعهد سازمانی و آگاهی از ابتکار (نوآوری) وجود دارد. در پژوهشی که توسط همبر و لابرو^۳ (۲۰۰۸) با عنوان رابطه بهینه بین ویژگی‌های سیستم‌های مدیریتی و مالی انجام دادند، نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان داد توسعه حسابداری مالی در یک حرکت رو به جلو به پیشرفت در حسابداری مدیریت منجر خواهد شد. قائمی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی به تطابق توانمندی سیستم‌های اطلاعات حسابداری با نیازهای اطلاعاتی و تأثیر آن بر عملکرد شرکتها در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون رگرسیون انجام شد. یافته‌ها حاکی از رابطه مثبت معنی‌دار بین تناسب سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری و عملکرد شرکت‌ها می‌باشد. پژوهشی توسط معین‌الدین و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان بررسی کارایی و تحلیل حساسیت تکنیک‌های عملیاتی حسابداری مدیریت در بهبود عملکرد شرکت‌ها با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها بر روی شرکت‌های داروسازی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران سال ۱۳۹۰ انجام شد. با طراحی و اجرای مدل مناسب تحلیل پوششی داده‌ها، میزان کارایی شرکتهای پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مشخص شد. نتایج مدل‌ها حاکی از آن است که استفاده از تکنیک‌های عملیاتی حسابداری مدیریت در راستای ارتقای سطح عملکرد شرکتها یک عامل اساسی و مهم می‌باشد و می‌تواند دو معیار نرخ بازده سرمایه‌گذاری و ارزش افزوده اقتصادی را به عنوان دو معیار مهم برای سنجش عملکرد شرکتها معرفی کرد، دست یافته است. رهنمای رودپشتی و همایونی راد (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر فناوری اطلاعات بر همگرایی حسابداری مدیریت و حسابداری مالی پرداختند. روش تحقیق، روش شناخت تاریخی در چارچوب مطالعات کتابخانه‌ای و از نوع پژوهش‌های تئوریک و نظری مبتنی بر پیشینه مرتبط با موضوع می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان داد حسابداری و شاخه‌های اصلی آن، حسابداری مدیریت و حسابداری مالی، در حال تغییر و حرکت رو به جلو هستند. یکی از این تغییرات حرکت به سوی همگرایی حسابداری مدیریت و حسابداری مالی است.

1. Nevries et all

2. Nor Yahya

3. Hemmer & Labro

۳. روش شناسی و تجزیه و تحلیل و یافته‌ها

روش تحقیق حاضر، از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی است که جهت برخورداری از نتایج یافته‌ها برای حل مسائل موجود در سازمان‌ها صورت گرفته است. همچنین از نظر روش تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی - همبستگی می‌باشد. در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات نظری مورد نیاز و همچنین پیشینه پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. اطلاعات مورد نیاز به منظور تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری از طریق روش میدانی و با استفاده از پرسشنامه گردآوری شد. نمونه آماری این پژوهش ۸۰ نفر از کارشناسان مالی شاغل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که برای انتخاب حجم نمونه از جدول مورگان و کرجسی استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون آنالیز واریانس با استفاده از نرم‌افزار spss22 استفاده شد.

۴. فرضیه های پژوهشی

با توجه به مطالب فوق، فرضیات پژوهش به شرح زیر است:

۱- بین تحلیل گری مالی (حسابداری مالی) و شاخص های حسابداری مدیریت (مدیریت هزینه، هزینه فرصت، ارزش فعلی خالص، ارزش افزوده اقتصادی) رابطه معنا داری وجود دارد.

۵. یافته های پژوهش

۵-۱. آمار توصیفی

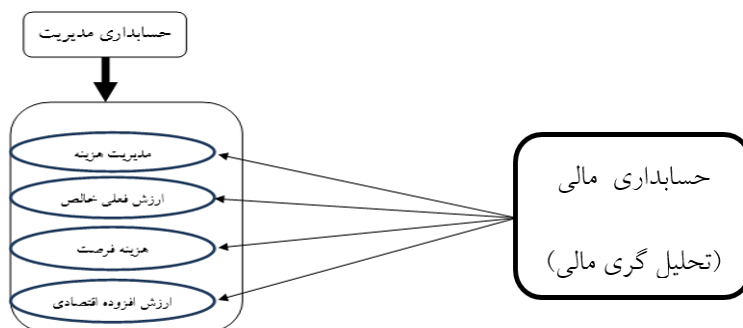
در این قسمت به بررسی دست آوردهای توصیفی در مطالعه حاضر پرداخته شده است. یافته‌های توصیفی شامل آماره‌های توصیفی می‌باشند. در ادامه به بررسی هر یک از این شاخص‌ها برای تک تک متغیرهای موجود در این مطالعه پرداخته شده است.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میان	حداقل	حداکثر	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
تحلیل گری مالی	۳/۳۸۳۳	۳/۳۳۳۳	۱	۵	۰/۸۰۸۰۱	۰/۰۷۷	-۰/۳۴۴
حسابداری مدیریت	۳/۱۷۰۸	۳/۱۶۶۷	۱	۵	۰/۷۷۰۴۰	۰/۰۱۲	-۰/۴۵۲
حسابداری مالی	۳/۳۱۶۷	۳	۱	۵	۰/۹۲۹۱۳	۰/۴۶۳	-۰/۷۷۴
ارزش فعلی خالص	۳/۳۴۵۸	۳/۳۳۳۳	۱	۵	۰/۷۱۰۴۷	-۰/۰۹۰	-۰/۰۵۶
هزینه فرصت	۳/۴۵۰	۳/۶۶۶	۱/۳۳	۵	۰/۹۷۳۷۸	-۰/۲۶۲	-۰/۸۸۰
ارزش افزوده اقتصادی	۳/۹۰۸۳	۴	۱/۳۳	۵	۰/۸۹۸۴۷	-۰/۷۵۴	۰/۲۴۰
مدیریت هزینه	۳/۹۹۵۸	۴	۱	۵	۰/۹۰۵۵۱	-۰/۸۰۶	۰/۳۸۱

با توجه به داده های موجود در جدول شماره ۱ درباره هر یک از متغیرهای پژوهش می توان به بررسی هر یک از این شاخص ها پرداخت. همانگونه که مشاهده می شود بیشترین میانگین متعلق به متغیر مدیریت هزینه و کمترین میانگین مربوط به حسابداری مدیریت می باشد. مشاهده می شود که انحراف معیار نشان دهنده پراکنش اکثریت داده ها می باشد و به بیانی دیگر پراکنش اکثریت داده ها در مقدار میانگین به علاوه و منهای انحراف معیار می باشد. ضریب کجی یا چولگی شاخصی است که مقدار کجی را مشخص می کند. اگر چولگی صفر باشد، توزیع مقارن است که برای کلیه متغیرهای پژوهش در بازه استاندارد قرار دارد. مقدار کشیدگی با استفاده از متغیر Kortisus برای تمام متغیرهای پژوهش نیز نرمال می باشد.

شکل شماره ۱. مدل مفهومی تحقیق



در مدل مفهومی تحقیق

مدل مفهومی تحقیق

۵-۲. تجزیه و تحلیل

به منظور آزمون فرضیات ابتدا لازم است نرمال بودن متغیرها بررسی شود. این پژوهش از آزمون معتبر کلموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای اصلی استفاده می شود.

جدول ۲. تست نرمالینه متغیرها

نتیجه	تایید فرضیه	مقدار خطا	سطح معناداری	نوع توزیع به کار گرفته شده	متغیر
نرمال	H_0	۰/۰۵	۰/۱۰۷	نرمال	تحلیل گری مالی
نرمال	H_0	۰/۰۵	۰/۱۳۱	نرمال	حسابداری مدیریت
نرمال	H_0	۰/۰۵	۰/۱۶۸	نرمال	حسابداری مالی
نرمال	H_0	۰/۰۵	۰/۱۲۴	نرمال	ارزش فعلی خالص
نرمال	H_0	۰/۰۵	۰/۱۱۳	نرمال	هزینه فرصت
نرمال	H_0	۰/۰۵	۰/۱۳۸	نرمال	ارزش افزوده اقتصادی
نرمال	H_0	۰/۰۵	۰/۱۷۱	نرمال	مدیریت هزینه

با توجه به مقادیر حاصل از آماره اسمیرنوف - کلموگروف جدول ۲، می توان استنباط نمود که توزیع مورد انتظار با توزیع مشاهده شده برای تمام متغیرها تفاوت معنی داری ندارد و بنابراین توزیع این متغیرها نرمال است.

گام اول: تحلیل گری مالی در تبیین نقش حسابداری مدیریت تأثیرگذار می باشد.

به منظور بررسی رابطه میان حسابداری مالی و حسابداری مدیریت با توجه به پرسشنامه از آزمون ضریب پیرسون استفاده شده است که نتایج آن در ادامه گزارش شده است.

جدول ۳. ضریب همبستگی پیرسون

حسابداری مدیریت	تحلیل گری مالی		
۰/۵۲۶	۱	ضریب پیرسون	تحلیل گری مالی
۰/۰۰۰		سطح معناداری	
۸۰	۸۰	تعداد	
۱	۰/۵۲۶	ضریب پیرسون	حسابداری مدیریت
	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۸۰	۸۰	تعداد	

همانطور که در جدول شماره ۳ مشاهده می کنید، مقدار سطح معناداری فرضیه اول کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین تحلیل-گری مالی و حسابداری مدیریت رابطه معناداری وجود دارد؛ بنابراین می توان گفت که فرضیه اول تأیید و فرض صفر آن رد می شود. مقدار و علامت ضریب این آزمون نیز جهت و قدرت رابطه را نشان می دهد. از آنجایی که علامت ضریب مثبت است بنابراین رابطه مستقیم بین تحلیل گری مالی و نقش حسابداری مدیریت وجود دارد. پس می توان گفت که تحلیل گری مالی در تبیین نقش حسابداری مدیریت تأثیرگذار می باشد.

جدول ۴. آزمون F جهت معنادار بودن رگرسیون

متغیر	مجموع مربعات	میانگین مربعات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۲/۹۷۸	۱۲/۹۷۸	۱	۲۹/۸۵۲	۰/۰۰۰
باقی مانده	۳۳/۹۱۰	۰/۴۳۵	۷۸	-	-
کل	۴۶/۸۸۸	-	۷۹	-	-

جدول شماره ۴ میزان تاثیر متغیر مستقل یعنی تحلیل گری مالی و متغیر وابسته یعنی حسابداری مدیریت را نشان می دهد. همانطور که مشاهده می کنید مقدار معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ است بنابراین به طور کلی می توان گفت متغیر مستقل بر متغیر وابسته اثرگذار است. در نتیجه می توان گفت که تحلیل گری مالی در تبیین نقش حسابداری مدیریت تأثیرگذار می باشد؛ به عبارت دیگر با توجه به ضریب همبستگی مثبت تحلیل گری مالی می توان گفت در صورتی که در حسابداری مدیریت، تحلیل-گری مالی افزایش یابد، حسابداری مدیریت بهبود خواهد یافت؛ به عبارت دیگر می توان گفت تحلیل گری مالی به عنوان یک

عامل تاثیرگذار بر حسابداری مدیریت می باشد و به علت داشتن ضریب مثبت، میزان تاثیرگذاری آن نیز مثبت می باشد و با افزایش تحلیل گری مالی حسابداری مدیریت بهبود خواهد یافت.

جدول ۵. ضرایب تاثیر رگرسیون

متغیر	بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	-	۴/۶۱۶	۰/۰۰۰
تحلیل گری مالی	۰/۵۲۶	۵/۴۶۴	۰/۰۰۰

مقدار ثابت همان عرض از مبدأ است و میزان متغیر وابسته را بدون دخالت متغیر مستقل نشان می دهد. با توجه به نتایج جدول فوق می توان گفت با ارتقاء یک واحد از متغیر مستقل به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقا پیدا خواهد کرد. آماره t اهمیت نسبی متغیر مستقل را نشان می دهد. با توجه به مقدار این آماره و سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ می توان گفت متغیر مورد نظر تاثیر آماری معنی داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته داشته است. ضرایب رگرسیون نیز تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را تأیید می کند. با توجه به ضریب تحلیل گری مالی، فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می گیرد. در نتیجه می توان گفت تحلیل گری مالی در تبیین نقش حسابداری مدیریت تاثیرگذار می باشد؛ یعنی فرض صفر فرضیه اول رد و فرض یک تأیید می گردد.

گام دوم: بین تحلیل گری مالی (حسابداری مالی) و ارزش فعلی خالص رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶. آزمون F جهت معنادار بودن رگرسیون

متغیر	مجموع مربعات	میانگین مربعات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۰/۴۷۶	۲۰/۴۷۳	۱	۳۳/۴۵۸	۰/۰۰۰
باقی مانده	۴۷/۷۲۷	۰/۶۱۲	۷۸	-	-
کل	۶۸/۲۰۰	-	۷۹	-	-

که در جدول شماره ۶ مشاهده می کنید، مقدار سطح معناداری فرضیه دوم کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین حسابداری مالی و ارزش فعلی خالص رابطه معناداری وجود دارد؛ بنابراین می توان گفت که فرضیه دوم تأیید و فرض صفر آن رد می شود؛ به عبارت دیگر ارزش فعلی خالص در صورتی که روند حسابداری مالی بهبود یابد، افزایش خواهد یافت. همچنین ارزش فعلی خالص به عنوان یک عامل تاثیرگذار و مثبت بر حسابداری مالی در نظر گرفته خواهد شد و شرکتها و سرمایه گذاران با تقویت ارزش فعلی خالص دارایی و سرمایه خود می توانند روند انجام حسابداری مالی را بهبود بخشند.

جدول ۷. ضرایب تاثیر رگرسیون

متغیر	بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	-	۲/۱۷۰	۰/۰۳۳
ارزش فعلی خالص	۰/۵۴۸	۵/۷۸۴	۰/۰۰۰

جدول شماره ۷ بیانگر میزان تاثیرگذاری ارزش فعلی خالص بر حسابداری مالی می باشد. با توجه به مقدار این آماره و سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ برای متغیر ارزش فعلی خالص می توان گفت متغیر مورد نظر تأثیر آماری معنی داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته داشته است. ضرایب رگرسیون نیز تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را تأیید می کند. با توجه به ضریب ارزش فعلی خالص، فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می گیرد. در نتیجه می توان گفت بین حسابداری مالی و ارزش فعلی خالص رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی فرض صفر فرضیه دوم رد و فرض یک تأیید می گردد.

گام سوم: بین تحلیل گری مالی (حسابداری مالی) و هزینه فرصت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۸. آزمون F جهت معنادار بودن رگرسیون

متغیر	مجموع مربعات	میانگین مربعات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
رگرسیون	۷/۳۶۵	۷/۳۶۵	۱	۹/۴۴۳	۰/۰۰۳
باقی مانده	۶۰/۸۳۵	۰/۷۸۰	۷۸	-	-
کل	۶۷/۲۰۰	-	۷۹	-	-

همانطور که در جدول شماره ۸ مشاهده می کنید، مقدار سطح معناداری فرضیه سوم مبنی بر بین حسابداری مالی و هزینه فرصت رابطه معناداری وجود دارد، کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین حسابداری مالی و هزینه فرصت رابطه معناداری وجود دارد؛ بنابراین می توان گفت که فرضیه سوم تأیید می باشد. در واقع جدول شماره ۸ بیانگر میزان تأثیر متغیر مستقل یعنی هزینه فرصت بر متغیر وابسته یعنی حسابداری مالی را نشان می دهد. همانطور که مشاهده می کنید مقدار معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه می توان گفت که بین حسابداری مالی و هزینه فرصت رابطه معناداری وجود دارد. هزینه فرصت به عنوان نرخ بهره بدون ریسک در نظر گرفته شده است. به عبارت نتایج نشان می دهد در نظر گرفتن هزینه فرصت در تحلیل گری مالی به عنوان یک عامل تاثیر گذار و مهم در حسابداری مالی می باشد.

جدول ۹. ضرایب تاثیر رگرسیون

متغیر	بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	-	۶/۱۱۳	۰/۰۰۰
هزینه فرصت	۰/۳۲۹	۳/۰۷۳	۰/۰۰۳

جدول شماره ۹ بیانگر ضریب هزینه فرصت در مدل رگرسیونی و میزان تاثیرگذاری آن بر حسابداری مالی می‌باشد. با توجه به مقدار این آماره و سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ می‌توان گفت متغیر مورد نظر تاثیر آماری معنی داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته داشته است. ضرایب رگرسیون نیز تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را تأیید می‌کند. با توجه به ضریب هزینه فرصت، فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. در نتیجه می‌توان گفت بین حسابداری مالی و هزینه فرصت رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی فرض صفر فرضیه سوم رد و فرض یک تأیید می‌گردد.

گام چهارم: بین تحلیل گری مالی (حسابداری مالی) و ارزش افزوده اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۰. آزمون F جهت معنادار بودن رگرسیون

متغیر	مجموع مربعات	میانگین مربعات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
رگرسیون	۶/۴۰۵	۶/۴۰۵	۱	۸/۰۸۵	۰/۰۰۶
باقی مانده	۶۱/۷۹۵	۰/۷۹۲	۷۸	-	-
کل	۶۸/۲۰۰	-	۷۹	-	-

همانطور که در جدول شماره ۱۰ مشاهده می‌کنید، مقدار سطح معناداری فرضیه چهارم کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین حسابداری مالی و ارزش افزوده اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد؛ بنابراین می‌توان گفت که فرضیه چهارم تأیید و فرض صفر آن رد می‌شود. در واقع جدول ۱۰ بیانگر میزان تاثیر متغیر مستقل یعنی ارزش افزوده اقتصادی بر متغیر وابسته یعنی حسابداری مالی را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌کنید مقدار معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه می‌توان گفت که بین حسابداری مالی و ارزش افزوده اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر ارزش افزوده اقتصادی در صورتی که روند حسابداری مالی بهبود یابد، افزایش خواهد یافت. همچنین ارزش افزوده اقتصادی می‌تواند نقش بسزایی در حسابداری مدیریت داشته باشد. توجه به ارزش افزوده اقتصادی باعث تقویت روند حسابداری مالی شده و با بهبود آن می‌توان هر چه سریعتر به اهداف حسابداری مالی دست یافت.

جدول ۱۱. ضرایب تاثیر رگرسیون

متغیر	بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	-	۴/۶۵۰	۰/۰۰۰
ارزش افزوده اقتصادی	۰/۳۰۶	۲/۸۴۳	۰/۰۰۶

با توجه به مقدار این آماره و سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ می‌توان گفت متغیر مورد نظر تاثیر آماری معنی داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته داشته است. ضرایب رگرسیون نیز تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را تأیید می‌کند. با توجه به ضریب

ارزش افزوده اقتصادی، فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. در نتیجه می‌توان گفت بین حسابداری مالی و ارزش افزوده اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی فرض صفر فرضیه چهارم رد و فرض یک تأیید می‌گردد.

گام پنجم: بین تحلیل گری مالی (حسابداری مالی) و مدیریت هزینه رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۲. آزمون F جهت معنادار بودن رگرسیون

متغیر	مجموع مربعات	میانگین مربعات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
رگرسیون	۸/۸۸۸	۸/۸۸۸	۱	۱۱/۶۸۸	۰/۰۰۱
باقی مانده	۵۹/۳۱۲	۰/۷۶۰	۷۸	-	-
کل	۶۸/۲۰۰	-	۷۹	-	-

همانطور که در جدول شماره ۱۲ مشاهده می‌کنید، مقدار سطح معناداری ارتباط معنادار بین حسابداری مالی و مدیریت هزینه کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین حسابداری مالی و مدیریت هزینه رابطه معناداری وجود دارد. در واقع جدول ۱۲ بیانگر میزان تأثیر متغیر مستقل یعنی مدیریت هزینه بر متغیر وابسته یعنی حسابداری مالی را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌کنید مقدار معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه می‌توان گفت که بین حسابداری مالی و ارزش افزوده اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۳. ضرایب تأثیر رگرسیون

متغیر	بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	-	۴/۱۳۸	۰/۰۰۰
مدیریت هزینه	۰/۳۶۱	۳/۴۱۹	۰/۰۰۱

با توجه به مقدار این آماره و سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ می‌توان گفت متغیر مورد نظر تأثیر آماری معنی داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته داشته است. ضرایب رگرسیون نیز تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را تأیید می‌کند. با توجه به ضریب مدیریت هزینه، فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. در نتیجه می‌توان گفت بین حسابداری مالی و مدیریت هزینه رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی فرض صفر فرضیه پنجم رد و فرض یک تأیید می‌گردد.

حسابداری مدیریت به عنوان یکی از ارکان اساسی و مهم در حسابداری در جهت کنترل و مدیریت تغییرات مربوط به صورت حساب های مالی در طی یک دوره مالی می‌باشد. روش های حسابداری مدیریتی برای دستیابی به اهداف سازمانی از طریق بهبود تصمیم گیری توسط مدیران و کارکنان آن نقش بسزایی دارند. با توجه به هدف اصلی پژوهش مبنی بر نقش تحلیل گری مالی در تبیین نقش حسابداری مدیریت، می‌توان گفت که تحلیل گری مالی به عنوان یک عامل موثر و تاثیرگذار بر حسابداری مدیریت می‌باشد. در واقع تحلیل گری مالی در پرتنگ تر نمودن نقش حسابداری مدیریت تاثیر بسزایی دارد. چنانچه تحلیل گری مالی به صورت درست و اصولی صورت گیرد، حسابداری مدیریت بهبود خواهد یافت و در صورت عدم تحلیل گری مالی به صورت اصولی، نتایج حاصل از آن در تبیین نقش حسابداری مدیریت کم رنگ خواهد شد. در پژوهش

حاضر ارزش فعلی خالص، هزینه فرصت و ارزش افزوده اقتصادی و مدیریت هزینه به عنوان شاخص های حسابداری مدیریت در نظر گرفته شده اند و هر یک از این شاخص ها نقش بسزایی در تبیین حسابداری مدیریت دارند. از آنجا که مهمترین هدف هر واحد اقتصادی افزایش ثروت صاحبان سهام و بقای آن واحد است، لذا بین حسابداری مالی و ارزش فعلی خالص رابطه معناداری وجود دارد، به تبع آن صاحبان سهام جهت سنجش عملکرد مدیران در راستای هدف یاد شده واحدهای اقتصادی ناگزیر به استفاده از ابزارهایی جهت سنجش عملکرد مدیران می باشند. در واقع می توان گفت با توجه به ضریب مربوط به ارزش فعلی خالص، به علت معنادار بودن نتایج حاصل از رگرسیون، بین حسابداری مالی و ارزش فعلی خالص رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر با بهبود روند ارزش فعلی خالص، حسابداری مالی بهبود خواهد یافت. از طرفی نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین حسابداری مالی و هزینه فرصت به علت وجود سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ رابطه معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر هزینه فرصت برابر با نرخ بهره بدون ریسک است. توجه به هزینه فرصت، به مدیران این امکان را می دهند که در جهت هدف انتخاب شده حرکت کنند، لذا می توان گفت که با بهبود روند هزینه فرصت، به علت وجود سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵، حسابداری مالی بهبود خواهد یافت. همچنین نتایج حاصل نشان داد یکی از عوامل تاثیرگذار بر حسابداری مالی، ارزش افزوده اقتصادی است. در واقع به علت داشتن سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵، می توان گفت که بین حسابداری مالی و ارزش افزوده اقتصادی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. ارزش افزوده اقتصادی به عنوان یک فاکتور تاثیرگذاری می باشد که می تواند با تاثیرگذاری بر حسابداری مالی، در تبیین حسابداری مدیریت نقش بسزایی داشته باشد. با توجه به مفهوم ارزش افزوده اقتصادی، هدف هر واحد اقتصادی افزایش ثروت صاحبان سهام و بقای آن واحد است. به تبع آن صاحبان سهام جهت سنجش عملکرد مدیران در راستای هدف یاد شده واحدهای اقتصادی ناگزیر به استفاده از ابزارهایی جهت سنجش عملکرد مدیران می باشند. لذا با این تفاسیر می توان گفت که ارزش افزوده اقتصادی به عنوان یک عامل و فاکتور تاثیرگذار بر حسابداری مالی می باشد و می تواند در حسابداری مدیریت نقش بسزایی داشته باشد. هزینه ها در ادامه حیات برای شرکت ها، نقش بسزایی دارند. با مدیریت درست هزینه ها، شرکت ها می تواند به عملکرد و سطح مطلوب سودآوری دست یابند. از آنجا که سیستم مدیریت هزینه شامل مجموعه ای از روش هایی است که جهت برنامه ریزی و کنترل فعالیت های هزینه زای یک سازمان برای رسیدن به اهداف آن سازمان می باشد، می توان گفت که با مدیریت صحیح هزینه ها، می توان به اهداف حسابداری مدیریت دست یافت، از طرفی به علت داشتن سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵، می توان گفت حسابداری مالی یک عامل تاثیرگذار بر حسابداری مالی می باشد و رابطه مستقیم و مثبتی بین حسابداری مالی و مدیریت هزینه ها وجود دارد. لذا با توجه به نتایج حاصل از پژوهش می توان گفت که هر یک از شاخص های حسابداری مدیریت همچون ارزش فعلی خالص، هزینه فرصت و ارزش افزوده اقتصادی و مدیریت هزینه به علت داشتن رابطه معناداری، نقش بسزایی در حسابداری مالی دارند.

۶. بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف نقش تحلیل گری مالی در تبیین نقش حسابداری مدیریت انجام گردیده است. با توجه به اهمیت حسابداری مدیریت در بهبود روند مدیریتی حسابها، می توان گفت که حسابداری مدیریت دارای شاخص هایی همچون ارزش فعلی خالص، مدیریت هزینه، هزینه فرصت و ارزش افزوده اقتصادی می باشد که هر یک از عوامل فوق می تواند بر حسابداری

مالی تاثیرگذار باشد. یافته های حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که تاثیرگذاری تحلیل گری مالی در تبیین نقش حسابداری مدیریت، به علت داشتن سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ مورد تایید و پذیرش می باشد. همچنین فرضیه دوم مبنی بر بین حسابداری مالی و ارزش فعلی خالص رابطه معناداری وجود دارد، به علت داشتن سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ مورد تایید می باشد. علاوه بر این هر یک از متغیرهای پژوهش همچون مدیریت هزینه، هزینه فرصت و ارزش افزوده اقتصادی نیز با توجه به داشتن سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ با حسابداری مدیریت رابطه مستقیم و معناداری دارند. با توجه به اینکه حسابداری مالی در تصمیمات کوتاه مدت و استراتژیک مدیران همواره نقش بسزایی دارد، بنابراین نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که توجه به مقادیری همچون ارزش فعلی خالص، مدیریت هزینه، هزینه فرصت و ارزش افزوده اقتصادی می تواند در بهبود حسابداری مالی تاثیرگذار باشد. اطلاعات حسابداری نقش بسزایی در کمک به مدیران جهت بهبود تصمیم گیری در فعالیت ها و تصمیمات آتی دارند و این اطلاعات در شناسایی فرصت ها و تهدیدها نقش بسزایی دارند. لذا با استفاده از حسابداری مدیریت می توان در تصمیم گیری نهایی از آن بهره گرفت و می توان با استفاده از متغیرهایی همچون ارزش فعلی خالص، ارزش افزوده اقتصادی و ... به سرمایه گذاران در بهبود تصمیم گیری خود جهت سرمایه گذاری کمک نمود. تانگ و سالادریگوس^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان پیش بینی عوامل مالی، حسابداری و صنعتی بر موفقیت شرکتهای تازه وارد اسپانیا نتایج نشان داد که اندازه شرکت و سودآوری در هر دو بخش تولید و توزیع بیشترین رابطه مثبت را با قابلیت پیش بینی موفقیت شرکت دارند، آبراهامسون و همکاران^۲ (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان هویت بررسی چگونگی ارتباط شبوه های حسابداری مالی بر هویت سازمان نشان داد که چگونه اختلاف میان درک اعضای سازمان از هویت و تفسیر آنان از تصویر خارجی (آینده مورد نظر) تحت تاثیر شیوه های حسابداری در حال پیدایش قرار گرفته است. نوریحی (۲۰۱۶) در پژوهشی با بررسی ارتباط مشارکت بودجه بندی و عملکرد در سازمان های بخش عمومی مالزی نشان داد که مشارکت در بودجه بندی عملکرد مدیریت را از طریق متغیر غیر مستقیم تعهد سازمانی تحت تاثیر قرار می دهد و ارتباط مستقیم بین مشارکت در بودجه بندی، عملکرد مدیریت، تعهد سازمانی و آگاهی از ابتکار (نوآوری) وجود دارد. لذا نتایج حاصل از پژوهش های مذکور با هدف پژوهش حاضر همسو می باشد. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاد می شود که از شیوه های مناسب مدیریتی جهت بهبود مدیریت هزینه ها جهت کاهش هزینه و افزایش سودآوری استفاده شود و همچنین به منظور بهبود مدیریت هزینه ها، هزینه فرصت جهت سرمایه گذاری در نظر گرفته شود و از اطلاعات به روز، جهت تحلیل گری مالی در حسابداری مدیریت بهره گیری شود. همچنین پیشنهاد می شود در طی پژوهش های آتی شیوه های مختلف تحلیل گری مالی در تبیین نقش حسابداری مدیریت در طی پژوهش های آتی مورد مقایسه قرار گیرد.

^۱. Tong, Y., & Saladrigues

^۲. Abrahamsson

منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی، ابراهیم (۱۳۹۱). بازاندیشی فلسفی حسابداری مدیریت. مجموعه مقالات دهمین همایش ملی حسابداری ایران. جلد چهارم، ۱۰۷-۱۳۴.
۲. حساس یگانه، یحیی، دیانتی دیلمی، زهرا و نوروز بیگی، ابراهیم (۱۳۹۱). بررسی وضعیت حسابداری مدیریت در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه حسابداری مدیریت، ۴(۸)، ۱-۱۸.
۳. رهنمای رودپشتی، فریدون و همایونی راد، راحله (۱۳۹۵). تأثیر فناوری اطلاعات بر همگرایی حسابداری مدیریت و حسابداری مالی. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۹(۳۰)، ۹۷-۱۱۳.
۴. صالحی، اله کرم، محمد مرادی و شاهرخ بزرگ‌مهریان (۱۳۹۳). واکاوی نارسایی و تنگناهای مربوط به نقش حسابداران در فرآیند تصمیم‌گیری مدیران. فصلنامه پژوهش حسابداری، ۵(۱۸)، ۶۷-۵۱.
۵. علی محمدی، علی محمد، محمد حلاج، محمد عباسی مهر، حسین (۱۳۹۵). پیکربندی سازوکارهای کنترلی در سازمان‌های دولتی با تأکید بر نقش حسابداری مدیریت. فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۶(۲۱)، ۹۱-۱۰۷.
۶. قائمی، محمدحسین، کامیاب، رضا و معصومی، جواد (۱۳۹۱). تطابق توانمندی سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری با نیازهای اطلاعاتی و تأثیر آن بر عملکرد شرکتهای نشریه دانش حسابرسی، ۱۲(۴۶)، ۴۸-۶۱.
۷. معین‌الدین، محمود، مروتی شریف‌آبادی، علی، فاضل یزدی، علی و طحاری مهرجردی، محمد حسین (۱۳۹۱). بررسی کارایی و تحلیل حساسیت تکنیک‌های عملیاتی حسابداری مدیریت در بهبود عملکرد شرکت‌ها با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها. نشریه حسابداری مدیریت، ۵(۱۴)، ۶۵-۴۹.
۸. میرغفوری، سید حبیب، شفیع رودپشتی، میثم و عزیزی شیرین (۱۳۹۲). مدیریت هزینه در صنعت خودرو با رویکرد تکنیک تاناکا. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۶(۱۸)، ۳۰-۱۳.
9. Abrahamsson, G., Englund, H., & Gerdin, J. (2011). Organizational identity and management accounting change. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 24(3), 345-376.
10. Beikkhakhian, Y., Javanmardi, M., Karbasian, M., & Khayambashi, B. (2015). The application of ISM model in evaluating agile suppliers selection criteria and ranking suppliers using fuzzy TOPSIS-AHP methods. *Expert Systems with Applications*, 42(15-16), 6224-6236.
11. Fischer, M. J. (2016). Relevance Regained? An Examination of the Contents of Introduction to Management Accounting. *Academy of Business Research Journal*, 2(32), 168-179.
12. Ghanbari, M., & Vaseli, S. (2015). The Role of Management Accounting in the Organization. *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*, 9 (11), 1912-1915.
13. Hall, M. (2010). Accounting information and managerial work. *Accounting, Organizations and Society*, 35(3), 301-315.
14. Leyman, P., & Vanhoucke, M. (2017). Capital-and resource-constrained project scheduling with net present value optimization. *European Journal of Operational Research*, 256(3), 757-776.

15. Libby, R. (2017). Accounting and human information processing. In *The Routledge Companion to Behavioural Accounting Research*, 42-54. Routledge.
16. Hemmer, T., & Labro, E. (2008). On the optimal relation between the properties of managerial and financial reporting systems. *Journal of Accounting Research*, 46(5), 1209-1240.
17. Nevries, P., Langfield-Smith, K., & Sill, F. (2010). The contribution of management accounting departments to firm performance. University of Witten/Herdecke-Germany, 1-37
18. Nitzl, C. (2018). Management Accounting and Partial Least Squares-Structural Equation Modelling (PLS-SEM): Some Illustrative Examples. In *Partial Least Squares Structural Equation Modeling* (pp. 211-229). Springer, Cham.
19. Nor Yahya, M., Nazli Nik Ahmad, N., & Hamid Fatima, A. (2016). Budgetary participation and performance: some Malaysian evidence. *International Journal of Public Sector Management*, 21(6), 658-673.
20. Saadi Halbouni, S., & Kamal Hassan, M. (2012). The domination of financial accounting on managerial accounting information: An empirical investigation in the UAE. *International Journal of Commerce and Management*, 22(4), 306-327.
21. Tong, Y., & Saladrignes, R. (2018). The predictability of financial, accounting-based, and industrial factors on the success of newly incorporated Spanish firms. *Intangible Capital*, 14(1), 127-145.
22. Zaman, M. (2017). The role of financial and non-financial evaluation measures in the process of management control over foreign subsidiaries—empirical evidence in Slovene multinational companies. *Management: journal of contemporary management*, 9(2), 53-73.
23. Zubac, I. (2012). Financial accountant versus managerial accountant in the hotel business system. *Turizam*, 16(1), 1-7

The role of financial analysts in explaining the role of management accounting

*Roholah Vafaeipoor¹

Abdoreza Mohseni²

Date of Receipt: 2020/05/21 Date of Issue: 2020/06/06

Abstract

The purpose of financial reporting is to provide investors with information on future cash flows and to explain the roles of company management accounting. The purpose of this study was to investigate the role of financial analysts in explaining the role of management accounting. In this study, the relationship between financial accounting on the dimensions of management accounting (net present value, opportunity cost, economic added value and cost management) has been investigated. The participants are composed of companies admitted to the Tehran Stock Exchange. The data gathering tool was a questionnaire that was distributed among 80 individuals. The Cronbach's alpha coefficient was used to confirm content validity and reliability. To analyze the data, regression analysis was performed by SPSS software. Findings indicate that there is a significant relationship between financial accounting with management accounting dimensions (net current value variables, opportunity cost, economic value added and cost management) that the financial accounting and net present value have the highest significant level and the relationship between financial accounting and economic value added has the least significant level.

Keywords

Financial accounting, net present value, opportunity cost, economic value added, cost

¹*. Ph.D. of Accounting, Islamic Azad University, kazeroon Branch, kazeroon, Iran. (Correspond Author Email: r.vafaei231@gmail.com)

². Assistant Professor and Academic Accounting Board of Islamic Azad University, Bushehr Branch, Bushehr, Iran.